ایوب آرین ۲۰۱٤/۰٤/۰۱

نود سال رأی و رأی گیری در افغانستان

از نشرات بی. بی. سی.

شورای دولت امانی. نخستین بار موضوع انتخاب نماینده از سوی مردم در دوره اعلیحضرت امان الله خان مطرح شد.
نخستین قانون اساسی افغانستان نود سال پیش حق انتخاب سیاسی را برای "اهالی" این کشور به رسمیت شناخت. اما این که قدرت سیاسی واقعاً از صندوق آرای ملت بیرون آید، برای ده ها سال تنها در حد رویا بود.
کلمهٔ "انتخابات" همزمان با ورود "قانون" به حوزه سیاست و به دنبال تصویب قانون اساسی مصوب سال ۱۳۰۱شمسی، مجوز ورود به این حوزه یافت. اما خیلی از کلمات مرتبط با آن ده ها سال وقت گرفت تا معنای واقعی پیدا کرد.
در این مطلب به این پرداخته شده که مردم افغانستان در این نود سال چگونه صاحب حق رأی شدند، چگونه این رأی شکل فیزیکی پیدا کرد و چه نهاد هایی مسؤولیت برگزاری انتخابات را به عهده داشته اند.

اعضای مجلس اول (۱۳۱۰-۱۳۱۲) انتصابی بودند، اما در انتخاب اعضای مجالس بعدی عدهٔ کمی از مردان با نفوذ می توانستند سهم بگیرند
تأریخچهٔ انتخابات در افغانستان به چهار دوره تقسیم می شود:

- دورهٔ اول از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۸،
- دورهٔ دوم از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۳،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

- دورۀ سوم از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۲
- و دورۀ چهارم از ۱۳۸۰ تا حال.

دوره اول

دوره اول شامل تصویب نخستین قانون اساسی در زمان سلطنت اعلیحضرت امان الله خان در ۱۳۰۱ آغاز می شود. اعلیحضرت امان الله خان پس از رسیدن به تاج و تخت، اعلام استقلال از برتانیه و برقراری آرامش نسبی در کشور، به انجام اصلاحات و تحقق خواست های مشروطیت طلبان پرداخت. یکی از این خواست ها تشکیل "شورای دولت" بود.
"نظام نامه اساسی دولت عُلیه افغانستان) "۱۳۰۱ (و "نظام نامه تشکیلات اساسیه افغانستان" (۱۳۰۲) برگزاری انتخابات را برای انتخاب نیمی از اعضای این شورا و اعضای شورا های محلی پیش بینی کرده بود.
مطابق "نظام نامه تقسیمات ملکیه افغانستان" (۱۳۰۲) این کشور به پنج "ولایت" و چهار "حکومت اعلی" تقسیم شده بود که هر کدام به چندین "حکومتی" و "علاقه داری" تقسیم شده بود. بر اساس "نظام نامه تشکیلات اساسیه" ۱۳۰۲، در هر یک از این واحد ها یک "مجلس مشاوره "منتخب تشکیل می شد.

دوره دوم

دوره دوم شامل چهار سال سلطنت محمد نادر شاه و سی سال نخست سلطنت پسرش، محمد ظاهر شاه می شود که از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۳ را در بر می گیرد.
قانون اساسی ۱۳۰۹ هجری شمسی تشکیل شورای ملی منتخب را در پایتخت و مجلس مشاوره را در مراکز ولایات و حکومتی های اعلی پیش بینی کرد.
چگونگی انتخاب اعضای شورای مجلس در نخستین قانون انتخاب موسوم به "اصول انتخابات وکلای شورای ملی" ۱۳۰۹ توضیح داده شد.

دوره سوم

از نظر محمد صدیق فرهنگ عضو دوازدهم، انتخاباتی ۱۳۴۴ «آزاد ترین و منصفانه ترین انتخابات در تأریخ افغانستان بود»
این دوره شامل ده سال آخر سلطنت محمد ظاهر شاه می شود که از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۲ را در بر می گیرد. در این دوره که بیشتر تحلیلگران، آن را دهۀ دیموکراسی و دهۀ قانون اساسی می نامند، سومین قانون اساسی و دومین قانون انتخابات تصویب شد که زمینه برگزاری انتخابات نسبتاً دیموکراتیک را فراهم کرد.
اعضای دوره های دوازدهم و سیزدهم ولسی جرگه در انتخابات سال ها ۱۳۴۴ و ۱۳۴۸ انتخاب شدند. انتخابات یک ثلث مجلس سنا (مشرانو جرگه) هم در همین سال ها برگزار شد. مواد ۱۰۹ و ۱۱۱ قانون اساسی حکم می کرد که در ولایت ها و ولسوالی ها هم مجالس منتخب تشکیل شود، اما در واقع انتخاباتی برگزار نشد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دوره چهارم

این دوره با آغاز روند جدید به دنبال توافقات اجلاس بن آلمان در خزان ۱۳۸۰ آغاز شد که تا حال ادامه دارد. برای نخستین بار انتخاب رئیس جمهور بر اساس قانون اساسی ۱۳۸۲هجری شمسی، حق مردم دانسته شد.
این قانون حکم می کند که شش نوع انتخابات دیگر هم در کشور برگزار شود: انتخابات پارلمانی، شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی، شورا های قریه، مجالس بناروالی ها، اما در واقع تنها انتخابات ریاست جمهوری، ولسی جرگه و شورا های ولایتی برگزار می شود.
به این ترتیب، برای نخستین بار هم قوه مقننه و هم قوه مجریه بر اساس حق انتخاب مردم تشکیل شده است. قوه قضائیه هم مکلف به اخذ رأی نمایندگان مردم در پارلمان است.

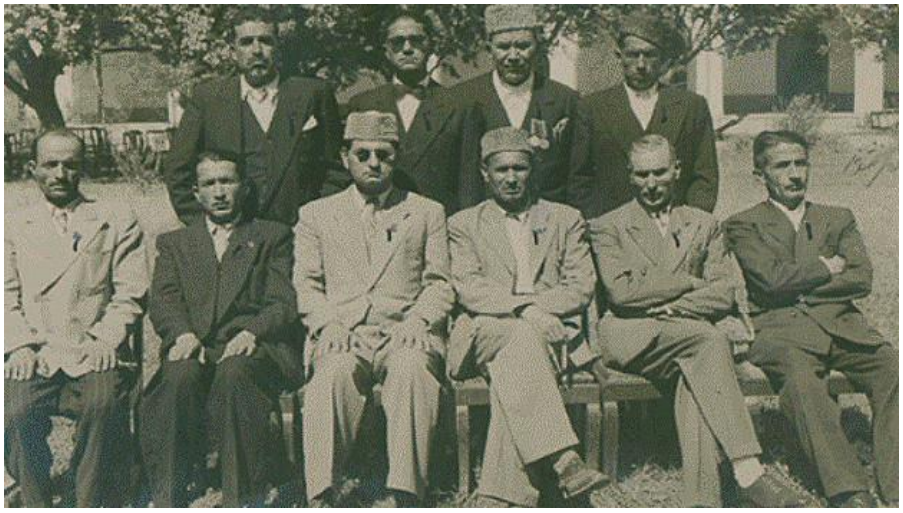

اعضای مجلس هفتم. انتخابات آزاد ۱۳۲۸ راه عضویت منتقدان دولت را در مجلس هموار کرد

حـــق رأی

دوره اول

"نظام نامۀ اساسی دولت علیه افغانستان "حق انتخاب را برای "اهالی" کشور به رسمیت شناخت. هرچند اصطلاح "اهالی" تعریف نشده بود و برای شرکت در انتخابات شرط خاصی در نظر گرفته نشده بود، اما به نظر بسیاری، اهالی شامل زنان نمی شد و در عمل تنها مردان بانفوذ می توانستند از این حق برخوردار شوند.
بر اساس قانون اساسی ۱۳۰۱، مشارکت در انتخاب نیمی از ۵۰ عضو "شورای دولت" مهمترین زمینه استفاده از حق بود، اما "نظام نامه تشکیلات اساسیه" این حق را به "مجالس مشاوره" ولایت ها واگذار کرد و حق انتخاب مستقیم تنها برای انتخاب اعضای مجالس محلی محدود شد.
مراجعه به آرای مردم در انتخابات نمایندگان مجالس محلی هم در حد محدودی بود و تنها افرادی که به نحوی با نهادهای دولتی ارتباط داشتند، در کار انتخاب این نمایندگان شرکت می کردند.

دوره دوم

قانون اساسی و قانون انتخابات ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی را "نمایندۀ قاطبه اهالی" معرفی کرد که اعضای آن باید مستقیماً از سوی مردم انتخاب می شدند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

"اصول انتخابات وکلای شورای ملی" افراد "تحت وصایت"، "تاجران مفلس به تقصیر"، "محکومان به جنایت"، صاحب منصبان عسکری، افسران و ماموران پلیس را از شرکت در انتخابات منع کرد. تابعت، تکمیل کردن سن ۲۰ و سکونت در حوزه انتخابیه دست کم یک سال پیش از انتخابات، از شرایط انتخابات کنندگان شد.

برای نخستین بار اصل دوم این قانون "جمعیت تخمینی" ولایات را معیار تقسیم ۱۷۱ کرسی مجلس شورای ملی قرار داد، هر چند در واقع تعداد نمایندگان مجالس اول تا یازدهم به ندرت با این عدد مطابقت پیدا می کرد. قانون انتخابات در مورد مجالس محلی ساکت بود.

مهمترین رویداد برای تحقق حق رأی مردم در این ۳۴ سال، برگزاری انتخابات بناروالی در سال ۱۳۲۷ است که در آن تعداد قابل توجهی از مردم شرکت کردند و "رأی" دادند.
به دنبال آن، دومین انتخابات آزاد برای انتخاب اعضای دوره هفتم ولسی جرگه در سال ۱۳۲۸ برگزار شد که به نوشته غلام محمد غبار در کتاب افغانستان در مسیر تأریخ، در شهر کابل ۵۰ هزار رأی دهنده شرکت کردند.
غبار که خود در این انتخابات به نمایندگی از مردم کابل در مجلس انتخاب شد، می نویسد که در انتخابات بعدی در سال ۱۳۳۰ در شهر کابل برای انتخاب دو نماینده، تنها ۷۳۸۰ نفر رأی دادند (غبار، ۱۳۶۵ :۲/۲۷۰)

دوره سوم

قانون اساسی ۱۳۴۳و قانون انتخابات ۱۳۴۴ برای نخستین بار زمینهٔ وسیع و عملی را برای استفاده از حق رأی فراهم کرد. اصل ششم قانون انتخابات چهار شرط برای انتخاب کنندگان وضع کرده بود:

- ۱- داشتن تابعیت،
- ۲- تکمیل سن ۲۰،
- ۳- عدم محکومیت به محرومیت از حقوق سیاسی،
- ٤- عدم ابتلا به جنون.

قاضی‌القضات، اعضای ستره محکمه، افسران و ماموران پولیس و اردو از حق رأی محروم بودند، مگر این که با اتمام مدت وظیفه مرخص شده یا با اردو قطع علاقه کرده باشند.
مهمترین خصوصیت دههٔ دیموکراسی، رسمیت یافتن حق رأی زنان است. هرچند قانون اساسی به "عمومی" بودن انتخابات اکتفا کرد، اما قانون انتخابات این حق را برای زنان رسمیت بخشید. با وجود این، هنوز مشکلاتی بود که می توانست این حق را برای زنان محدود کند.

ماده ۲۱ قانون انتخابات هیأت های نظارت انتخاباتی را مؤظف کرده بود که فهرست رأی دهندگان مرد را بر اساس اسناد اداره ثبت احوال نفوس تهیه کند ـ نهادی که برای اهالی افغانستان تذکره صادر می کرد.
در آن زمان معمول نبود که زنان هم تذکره داشته باشند. به همین دلیل، قانون انتخابات در مورد زنانی که علاقمند شرکت در انتخابات بودند، تصریح کرده بود که می توانند درخواست کنند که هیأت های نظارت نام های آنها را در فهرست رأی دهندگان درج کنند.
به همین دلیل و دشواری های زیادی که خاصتاً در مناطق روستایی وجود داشت، زنان در هر دو انتخابات دهه دیموکراسی نتوانستند سهم چندانی در انتخاب نمایندگان ولسی جرگه بگیرند.
در انتخابات پارلمانی ۱۳۴۴، بر اساس احصائیهٔ صباح الدین کشککی در کتاب دهه قانون اساسی، از سه ملیون رأی دهنده در سراسر کشور، تنها ۱۲۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند. برای نخستین بار چهار زن هم در این انتخابات برنده شدند و به مجلس راه یافتند.

دوره چهارم

در روند جدید حق برابر قانونی رأی برای زنان و مردانی که هجده سالگی را تکمیل کرده باشند، در هر نوع رأی گیری عمومي فراهم شده است. داشتن تابعیت کشور و درج نام رأی دهنده در فهرست رأی دهندگان لازم است. اتباع کشور تنها به حکم محکمه از این حق محروم می شوند (اصل دوازده قانون انتخابات).
در نخستین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۳، نزدیک به هشت ملیون و۱۳۰ هزار نفر رأی دهنده شرکت کردند که ۷۰ فی صد افراد واجد شرایط رأی دهی را تشکیل می دادند. ۴۰ فی صد کسانی که به صندوق های رأی رفتند، زن بودند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تصویب قانون اساسی ۱۳۸۲ راه را برای برگزاری هشت نوع انتخابات هموار کرده: ریاست جمهوری، مجلس نمایندگان ۲۴۹ کرسی، شورا های ولایت ها (۴۵۸ کرسی)، شوراهای ولسوالی ها، بناروالی ها، مجالس بناروالی ها و شورا های قریه ها (روستاها).
همچنین مطابق قانون، یک ثلث اعضای مجلس سنا (۳۴) نفر از سوی شوراهای ولایتی و یک ثلث دیگر (۳۴ نفر) از جانب شوراهای ولسوالی ها انتخاب می شوند. در حال حاضر این ثلث دوم هم از سوی شوراهای ولایتی انتخاب می شوند. مقام های اصلی اجرایی و قضایی در پایتخت مکلف به اخذ رأی اعتماد از مجلس هستند.
به این ترتیب، همه مقام های کشور به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر اساس رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند، اما مردم در انتخاب مقام های محلی نقشی ندارند و شورا های محلی هم در زمینه های قانون گذاری، نظارتی و تصمیم گیری نقشی ندارند.
پارلمان هم به دلیل خصوصیت نظام ریاستی کشور از قدرت چندانی در نمایندگی از مردم در عرصه نظارت بر امور اجرایی حکومت برخوردار نیست و در زمینه قانون گذاری هم ابتکار اصلی به دست حکومت است.

دوره اول

در دوره اعلیحضرت امان الله خان انتخابات هنوز مفهوم واقعی پیدا نکرده بود و به همین دلیل، اصطلاح "رأی" در هیچ یک از قوانین این دوره تعریف نشده است. این ابهام باعث شده بود که شیوه رأی گیری هم و انتخاب نماینده هم تعریف نشود.

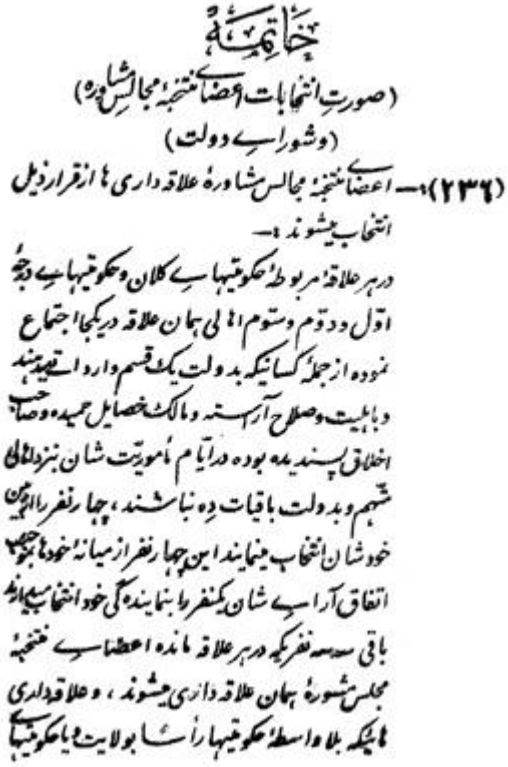
خاتمه
(صورت انتخابات اعضای منتخبه مجالس مشاوره)
(وشورای دولت)
(۲۳۶)- اعضای منتخبه مجالس مشاورهٔ علاقه داری ها از قرار ذیل انتخاب میشوند:-
در هر علاقهٔ مربوطهٔ حکومتیهای کلان وحکومتیهای درجهٔ اول ودوم وسوم اهالی همان علاقه در یکجا اجتماع نموده از جملهٔ کسانیکه بدولت یک قسم وارداتی میدهند وباهلیت وصلاح آراسته ومالک خصایل حمیده وصاحب اخلاق پسندیده بوده درایام ماموریت شان بنزد اهالی متهم وبدولت باقیات دِه نباشند، چهار نفر را انجمن خودشان انتخاب مینمایند این چهار نفر از میانهٔ خود باتفاق آرای شان یکنفر را بنمایندگی خود انتخاب میدهند باقی سه نفر که در هر علاقه مانده اعضای منتخبهٔ مجلس مشورهٔ همان علاقه داری میشوند، وعلاقه داری هائیکه بلاواسطهٔ حکومتیها را سابولایت ویا حکومتیهای

بر اساس "نظامنامه تشکیلات اساسیه" ۱۳۰۲، انتخاب ۲۵ عضو "شورای دولت" به صورت دو درجه ای انتخاب می شدند. به گونه ای که ابتداء مردم نمایندگان مجالس ولایتی را انتخاب می کردند و بعد این نمایندگان اعضای شورای دولت را از بین خود بر می گزیدند. ۲۵ عضو دیگر این شوراء انتصابی بودند.

انتخاب نمایندگان مجالس ولایتی مطابق اصل ۲۳۹ نظامنامه تشکیلات اساسیه چنین بود: "هر قدر کلانتران موجوده که در مرکز ولایت و حکومتی اعلی هستند، هر کدام شان اهالی کوچه ها و گذر هایی که به ایشان متعلق است [را] در مسجد بزرگ همان کوچه جمع آوری نموده به ایشان می گویند که از جمله خود شان کسانی که به دولت واردات می دهند، چنان یک یک نفری که به اهلیت و صلاح آراسته و مالک خصایل حمیده و صاحب اخلاق پسندیده بوده به نزد اهالی متهم و به نزد دولت باقیات دِه نباشند، را انتخاب می نمایند".
در این قانون از این نمایندگان به عنوان "کلانتر" و "نفری" یاد شده که عضویت مجالس محلی را کسب می کردند. مدت کار آنها و اعضای شورای دولت، مطابق اصل ۲۴۱ نظامنامه تشکیلات اساسیه سه سال بود. این مدت بعداً به صورت یک سنت درآمد و تا سال ۱۳۴۳ همین مدت برای همه شوراها باقی ماند.

دوره دوم

قانون انتخابات ۱۳۰۹ "سراسری و مستقیم" و اصل یک فرد یک رأی را تصریح و "حوزه های انتخابیه" مبتنی بر "جمعیت تخمینی" را معرفی کرد.
حکومت زمان و محل برگزاری انتخابات را اعلام می کرد. اصل ۱۳ اصولنامه انتخابات می افزاید" :انتخاب کنندگان یک حوزه انتخابیه که در مرکز محل انتخاب اجتماع می نمایند، راجع به انتخاب وکیل جرگه و مذاکره می کنند و از

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اهالی همان منطقه به حضور حاکم محلی و هیأت محکمه شرعیه نماینده خود را انتخاب نموده اقرارنامه شرعی در بارۀ انتخاب آن می نویسند".

«نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان»، ۱۳۰۲

انتخاب اعضای مجلس مبتنی بر "اتفاق آرا "بود، ولی در صورت عدم موافقت عموم رأی دهندگان، "اکثریت آرا" هم کفایت می کرد و در صورت "تساوی" کار به قرعه کشی می کشید.
در این دوره انتخابات بلدیه (شاروال) کابل در ۱۳۲۷ و انتخابات مجلس هفتم در ۱۳۲۸، اهمیت خاصی دارد. برای نخستین بار در انتخابات بناروالی رأی دهندگان "رأی" دادند و آرای آنها به صورت فیزیکی شمرده شد. محمد صدیق فرهنگ، عضو مجلس هفتم در افغانستان در پنج قرن اخیر می نویسد که رأی گیری در انتخابات مجلس هفتم "سری" بود.
عبدالحمید مبارز که در آن زمان به عنوان نمایندۀ یکی از نامزد های مجلس بناروالی شرکت کرده بود، می گوید: "برای این که [نماینده] انتخاب کنند، جوال های چهار مغز آوردند و تشت ها را گذاشتند. هر نام [رأی دهنده] که خوانده می شد، یک چهار مغز آن جا (داخل تشت نامزد مورد نظر) می انداخت. بعد چهار مغزهای داخل تشت ها را حساب می کردیم و رأی های کاندیداها معلوم می شد".
یک سال بعد، در انتخابات مجلس هفتم از ورقه رأی و صندوق استفاده شد. آقای مبارز می گوید: "برای بار اول صندوق ها گذاشته شد و کاغذ ها چاپ شد. در هر کاغذ چند نام نوشته بود. نام های کاندیدا هایی که در کابل بودند من آنها را به یاد دارم. در آن وقت بیسوادی هم زیاد بود. طبعاً گماشته های کاندیدا ها در صحن [انتخابات] بودند و هر کسی پیش آنها می آمد، نام های شان [کاندیدا های مورد خود] را می نوشتند می رفتند و به صندوق می انداختند".

دوره سوم

در دهه آخر سلطنت محمد ظاهر شاه دو انتخابات پارلمانی مطابق قانون اساسی ۱۳۴۳ و قانون انتخابات ۱۳۴۴ در سال های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۸ برگزار شد. مطابق قانون انتخابات، هر ولسوالی یک حوزه انتخاباتی و دارای یک مرکز رأی گیری بود (اصل ۲۵) که به شمول شش حوزه کوچی ها به ۲۱۶ حوزه می رسید. از هر حوزه یک نماینده به مجلس نمایندگان می رفت. برای انتخابات اعضای مجلس سنا هر ۲۸ ولایت یک حوزه بود.
قانون انتخابات ۱۳۴۴ برگزاری رأی گیری آزاد، عمومي، سری و مستقیم را فراهم نمود (اصل ۳۱) و برای نخستین بار استفاده از صندوق و کارت رأی در رأی گیری را تصریح کرد (اصل ۳۷). مطابق اصل ۳۷، برای هر نامزد صندوقی با نصب عکس و نشان انتخاباتی در محلی محرم گذاشته می شد. هیأت نظارت سه نفری در نزدیک این محل بود و با تطبیق تذکره های رأی دهندگان با فهرست "انتخاب کنندگان" به آنها کارت رأی می داد.
هیأت در پایان روز انتخابات آرای ریخته شده به صندوق ها را می شمرد. برنده آرای بیشتر پیروز اعلام و در صورت تساوی قرعه کشی می شد (اصل۴۲). برای نامزد برنده "وثیقه عضویت" در مجلس صادر می شد.
تبلیغات انتخاباتی برای نخستین بار در قانون انتخابات ۱۳۴۴ مجاز دانسته شد و نامزد ها در انتخابات مجلس دوازدهم برای جلب آرای مردم دست به رقابت های انتخاباتی زدند. هرچند در انتخابات مجلس هفتم در ۱۳۲۸ برای نامزد های انتخابات در کابل زمینه تبلیغات انتخاباتی فراهم شد، ولی این امر در آن زمان قانونی نبود.

دوره چهارم

در این دوره که از ۱۳۸۰ آغاز می شود، همزمان با حضور گسترده جامعۀ بین المللی در کشور، در سیزده سال اخیر دو بار انتخابات پارلمانی، دو بار انتخابات شوراهای ولایتی و دو بار انتخابات ریاست جمهوری زیر نظارت ناظران داخلی و خارجی برگزار شده و سومین انتخابات ریاست جمهوری در راه است.
در قوانین کنونی بر شفافیت انتخابات و فراهم کردن زمینه برابر برای شرکت مردان و زنان در انتخابات تأکید شده است .در قوانین و طرزالعمل هایی که از سوی نهادهای انتخاباتی تهیه شده، انتخابات حاوی روند پیچیده و دارای جنبه های فنی زیادی است که نیازمند استخدام کارمندان کار آزموده و با تجربه برای برگزاری آن است.
بسیاری از مواد انتخاباتی از جمله کارت های رأی در خارج از کشور چاپ می شود. در کارت های رأی نام، عکس، نشان انتخاباتی و وابستگی سیاسی نامزدها چاپ می شود. در مواردی کارت رأی تنها یک کارت نیست، بلکه در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

واقع کتابچه ای است که حاوی اسم صدها نامزد است. رأی دهندگان باید در برابر اسم تنها یکی از آنها با قلم نشانی کنند و به صندوق بریزند.
کمیسیون انتخابات برای برگزاری انتخابات سراسر فهرست هزاران مرکز انتخاباتی را تهیه می کند که در آنها برای رأی دهندگان زن و مردم محل های جداگانه در نظر گرفته می شود و مصارف مالی انتخابات هم از سوی منابع خارجی تهیه می شود.

دوره اول

در نخستین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان شصت فی صد رأی دهندگان زن بودند.
در قوانین دوره اعلیحضرت امان الله خان نهاد خاصی برای برگزاری انتخابات پیش بینی نشده بود. انتخابات اصلی در آن زمان در ولایت ها برگزار می شد که مطابق اصل ۲۳۹ نظامنامه تشکیلات اساسیه، "کلانتران" محلی مسؤول بودند که "اهالی" را برای جمع شدن در مسجدی خبر کنند.
کلانتران از مردم می خواستند نمایندهٔ خود را انتخاب کنند. در انتخاب اعضای شورای دولت هم نهاد خاصی در نظر گرفته نشده بود. نمایندگان مجالس ایالتی آنها را از بین خود انتخاب می کردند.

دوره دوم

در این دوره هم نهاد خاصی که مسؤول برگزاری انتخابات باشد در نظر گرفته نشده بود. بیشتر کارهای انتخابات را مسؤولان حکومتی انجام می دادند.
حکومت های محلی زمان و محل برگزاری انتخابات را اعلام می کرد. مطابق اصولنامه انتخابات ۱۳۰۹، "انتخاب کنندگان " در حضور حاکم محلی و هیأت محکمه شرعیه نماینده خود را تعیین می کردند.
به همین دلیل، محققان معتقدند که تصمیم نهایی به دست حاکم و قاضیان محاکم بود، نه رأی دهندگان. غلام محمد غبار نوشته که افراد بانفوذ محلی می توانستند رضایت حاکم و قاضی را بدون توجه به میزان رأی مردم، راضی به صدور "وثیقه عضویت" در مجلس کنند.

دوره سوم

در این دوره هرچند نهاد مستقلی مؤظف به برگزاری انتخابات نشده بود، اما مطابق قانون انتخابات ۱۳۴۴، "هیأت های نظارت انتخاباتی" در سه سطح پایتخت، ولایت ها و ولسوالی ها تشکیل می شد.
در پایتخت هیأت نظارت متشکل از پنج عضو بود:

- دو عضو ستره محکمه،
- لوی څارنوال،
- رئیس پوهنتون کابل،
- معین وزارت داخله.

در ولایات اعضای این هیأت قرار ذیل بودند:

- رئیس محکمهٔ ولایت
- مدیر معارف

در ولسوالی ها أشخاص آتی عضویت این هیأت را داشتند:

- قاضی محکمهٔ ولسوالی،
- مدیر لیسه و یا مکتب محلی
- یکی از معلمین لیسه یا مکتب

بر اساس این قانون، تعیین تقویم انتخاباتی و انجام اقدامات لازم برای برگزاری انتخابات منوط به "اعلام پادشاهی" بود. اعلام نتائج انتخابات به عهدهٔ صدراعظم بود و نظارت کلی از روند برگزاری انتخابات در ولایت ها وظیفهٔ والی بود.
قانون در باره مسایل اداری و تدارکاتی انتخابات ساکت بود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دوره چهارم

برای بار اول در قانون انتخابات دهم جوزای ۱۳۸۳هجری شمسی برگزاری انتخابات به نهاد مستقلی واگذار شد و به دنبال آن در قوانین بعدی تلاش های بیشتری صورت گرفت تا استقلال این نهاد تحکیم یابد.

نخستین بار در قانون انتخابات ۱۳٤٤ حق رأی زنان صراحت قانونی یافت

انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۳ و انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ را "دفتر مشترک تنظیم انتخابات" برگزار کرد که از سوی مقام های انتخاباتی افغان و سازمان ملل اداره می شد.
مطابق قانون انتخابات ۱۳۹۲، "کمیسیون مستقل انتخابات" مسؤول برگزاری هر نوع انتخاباتی است. هرچند مسؤولان آن با طی یک روند انتخاباتی، به حکم رئیس جمهور منصوب می شوند، اما در کارکردهای خود مستقل هستند.
این نهاد متشکل از یک کمیسیون نه عضوی و یک دارالانشاء است. صلاحیت تصمیم گیری به دست اعضای کمیسیون و دارالانشای مسؤول اجرای تصمیمات آنها است. کمیسیون انتخابات در هر ولایت یک دفتر ولایتی دارد.
یک نهاد مشابه دیگر موسوم به "کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی" مسؤول رسیدگی به شکایات انتخاباتی است. تصامیم این نهاد در خصوص رسیدگی به این شکایات نهایی است.
در سال ۱۳۹۲ یک قانون خاص برای تنظیم فعالیت ها، صلاحیت ها، وظائف و ساختار نهادهای انتخاباتی تصویب شد. در این قانون در مورد ترکیب اعضای این کمیسیون ها بر مشارکت ملی و جنسیتی آنها تأکید شده است.

پایان

یادداشت پورتال:
این مطلب جهت مفهوم بودنش برای مردم ما از طرف پورتال افغان جرمن آنلاین بعد از تصحیحات املائی و انشائی به زبان و اصطلاحات دری افغانستان برگردانیده شده است

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ